



را دادم و مشکلات موجود را گفتم؛ ایشان گفتند در جهاد دانشگاهی ۱۰۰ درخت داریم. برای شما آماده می‌کنیم. فردا ۶ صبح تکنیسین‌های دانشگاه شروع به جمع‌آوری برگ گیاهان اکالیپتوس جهاد دانشگاهی کردند. قسمت جالب داستان اینجا بود ماشینی که برگ‌ها را برای شرکت ما می‌آورد، در میدان ابوذر با ماشین من تصادف کرد. راننده می‌گفت این بار را برای خانم دکتر سادات می‌بریم؛ عجله داریم. خندیدم و گفتم خودم هستم و داستان ختم به خیر شد. با رسیدن برگ‌ها، تولید اولیه و آزمایش‌های مجدد شروع شد. اول بچه‌های شرکت حدود ۱۰ نفر مشغول کار بودند. چند روز گذشت و گروه‌های مختلف جهادی مثل گروه سدک، سما و... هم پای‌کار آمدند. ۱۰۰ نفر از نیروهای جهادی در دو نوبت صبح و بعد از ظهر. چند نفری تحصیلات مرتبط داشتند که قرار شد در انجام تست‌ها و کارهای آزمایشگاهی را کمک کنند و به تیم تحقیقاتی ما اضافه شدند. بقیه هم تقسیم‌بندی شدند و وظیفه جمع‌آوری و تمیز کردن برگ‌های باقی‌مانده در شهر را به عهده گرفتند. برای این محلول علاوه بر اکالیپتوس گیاهان دیگری مثل زنیان و کاسنی و... هم لازم بود. هر موقع چیزی کم بود فقط کافی بود به گروه‌های جهادی بگوییم؛ در کمتر از یک دو ساعت آماده و تمیز شده به ما تحویل می‌دادند.

همه این افراد در محیط شرکت خودتان فعالیت داشتند؟ امکان‌ات شرکت کافی بود؟

نه تعداد نیروها زیاد شد و تجهیزات شرکت کافی نبود. از دکتر صادقان رئیس دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی یزد کمک خواستیم. هرچه دستگاه عصاره‌گیری در

باید راه‌های ایمن‌تری برای ضد عفونی و افزایش تقویت ایمنی بدن جایگزین کرد. در راه رفتن به دانشگاه به فکر این موضوع بودم که درختان اکالیپتوس هرس شده در محوطه دانشگاه را دیدم. اکالیپتوس در یزد زیاد است و هر سال اواخر زمستان شاخ و برگ آن هرس می‌شود. به یاد صحبت‌های استاد در مورد درختچه‌های اکالیپتوس بیمارستان‌ها افتادم، حسرت خوردم دقیقاً زمانی که شاید وجود همین گیاهان برای جلوگیری از بیماری‌های تنفسی کمک‌کننده باشد از این نعمت محروم شدیم. تلنگری شد برای ساخت محلول ضد عفونی نانو از گیاهان موجود در سطح استان.

درختان که هرس شده بود! پس چطوری کار را شروع کردید؟

همان موقع با رئیس دانشکده صحبت و پیشنهاد تولید ضد عفونی‌کننده را مطرح کردم. استقبال کردند و قول دادند تا جایی که بتوانند به ما کمک کنند. در نهایت دوسه گونی از برگ گیاه اکالیپتوس سهم ما شد. کار تولید را شروع کردیم. با دکتر راد تماس گرفتم و نتایج آزمایش‌های قبلی و پیشنهاد تولید صنعتی محلول

”

شما برای یک فارغ‌التحصیل دکترای ۵۰۰ میلیون دلار خرج می‌کنید و ما با جذب آن، نهایتاً سالی سه، چهار هزار دلار به او می‌دهیم؛ پس ما خیلی زنگ‌تریم که میوه آماده را می‌چینیم